

گرانسازی به اینترنت رسید؛ از ۴۰ تا ۸۰ درصد!

اینترنت امروز دیگر کالایی لوکس نیست و جایگاه ثابتی در سبد هزینه خانوارها دارد؛ هزینه‌ای که خانوارها نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند. با این حال، از بامداد جمعه، یکم آبان‌ماه، تعرفه اینترنت همراه، مکالمه و پیامک ۴۰ درصد افزایش یافت و هزینه استفاده از خدمات ارتباطی را برای خانوارها گران کرد. این افزایش در حالی اعمال شده که تورم نقطه‌به‌نقطه ارتباطات در شهریورماه امسال به ۱۲۲.۷ درصد رسید؛ البته بررسی‌ها نشان می‌دهد تعرفه اینترنت همراه از ابتدای آذرماه سال گذشته تا آبان امسال ۹۸ درصد افزایش داشته؛ یعنی این تعرفه در ۱۱ ماه دو برابر شده است.

۴



خروج از ان‌پی‌تی در وقت‌های اضافه



۲ <



ظرفیت‌های بالقوه بعثت
الهی مردم در موقعیت
جنگی؛ از بسیج تا جانفدا

۳

امیر سیاح در گفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد:

اقتصاد کشور فرمانده
جنگ می‌خواهد

۵



بازنگری در ان‌پی‌تی؛ وقتی
تعهدات امنیت نمی‌آورند

علیرضا بهرامی
پژوهشگر حقوق عمومی

صفحه ۱۱

سیاست خارجی



صف مطالبه‌گران بازدارندگی اتمی بلندتر شد

همزمان با تجربه دو جنگ تحمیلی علیه ایران پس از ۲۳ خرداد، تشدید تهدیدهای دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو و ناکامی عضویت در NPT در جلوگیری از تحریم، ترورو حمله نظامی، مطالبه بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران از یک بحث محدود سیاسی فراتر رفته است.

صفحه ۱۴

اقتصادی



زندگی مجازی مردم هم گران شد!

سپهر خلجی نوشت: قطار گران‌سازی دولت به ایستگاه اینترنت رسید! فعلاً ۴۰ درصد افزایش تعرفه و احتمالاً تا آخر سال، مردم با افزایش ۸۰ درصدی مواجه خواهند شد؛ یعنی علاوه بر زندگی واقعی، زندگی مجازی مردم هم گران شد.

تجربه‌های جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان باید یک تصور خطرناک را در سیاست خارجی ایران به چالش بکشد: اینکه با رعایت بیشتر دستورالعمل‌های بین‌المللی، شفافیت بیشتر و اعتمادسازی یک‌طرفه، می‌توان امنیت ملی را از طرف‌هایی تضمین گرفت که برای پیشبرد اهداف خود به تحریم و نیروی نظامی متوسل می‌شوند. ایران سال‌ها درگیر پرونده هسته‌ای بود، با آژانس همکاری می‌کرد و تحت شدیدترین نظارت‌ها قرار داشت؛ اما سرانجام تاسیسات هسته‌ای آن هدف حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفتند و دانشمندانش ترور شدند.

متن کامل در صفحه ۲

مطالبه خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شدت گرفت

خروج از ان پی تی در وقت‌های اضافه



جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

مالک شریعتی نماینده مردم تهران در مجلس با اشاره به طرح چند ماه قبل خود برای تجدیدنظر در عضویت ایران در ان پی تی نوشت: ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل توسط شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ناشی از تعلل راهبردی ایران در موضوع NPT است.

رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان هم با اشاره آمریکا از سفر به اجلاس سالانه آژانس در وین منع شد!

دو نکته:

طبق طرح آماده شده، خروج از NPT لزوماً معادل ساخت سلاح هسته‌ای نیست.

مخالفان طرح: «بهانه دست دشمن ندهیم» خب، چه می‌کنند که نکرده‌اند؟ چه خط قرمزی مانده است؟

شریعتی 21 خردادماه گذشته در همین راستا نوشته بود: پس از قطعنامه اخیر ضدایرانی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برخی دوستان از سرنوشت طرح سه‌فوری حمایت از حقوق هسته‌ای ملت ایران مشتمل بر خروج از NPT پرسیدند: پاسخ: طرح حدود ۳ ماه است در کارتابل معاون قوانین مجلس است و هنوز برای امضا در معرض رویت نمایندگان قرار نگرفته است!

بین‌المللی باشد. وی اظهار کرد: وقتی شما سکوت می‌کنید و به جای اینکه دشمن هتاک و متجاوز را که مرتکب جنایت جنگی شده است محکوم کنید، جمهوری اسلامی ایران را محکوم می‌کنید، ما خارج خواهیم شد تا بفهمید که جمهوری اسلامی ایران اهل تسلیم نیست. کودری ادامه داد: اگر ضرورت پیدا کند، جمهوری اسلامی ایران در پروتکل‌هایش تجدیدنظر خواهد کرد.

امیرحسین ثابتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی نیز در جریان حضور در برنامه تلویزیونی به وقت ایران تصریح کرد: طرح خروج از ان پی تی بیش از یک سال است که توسط تعدادی از نمایندگان در مجلس ثبت شده و به اعتقاد من، اگر این طرح در دستور کار قرار بگیرد، بیش از ۹۰ درصد نمایندگان با آن موافقت خواهند کرد. وی همچنین در اینباره گفت که برای خروج از ان پی تی توسط ایران، دیر هم شده است.

امنیت ملی در کارتابل معاون قالیباف!

تاکید تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس برای خروج ایران از ان پی تی طبعاً این سوال را مطرح می‌سازد که علت در دستور کار قرار نگرفتن طرح نمایندگان در اینباره چه بوده است؟

تهدیدات روزافزون آمریکا و رژیم صهیونیستی درباره تمامیت ارضی و موجودیت نظام جمهوری اسلامی، بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران را به تجدیدنظر در برخی معاهدات بین‌المللی واداشت. در همین راستا موضوع خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پس از تحمیل جنگ‌های 12 و 40 روزه بر ایران مورد توجه بسیاری قرار گرفت و گویا در مجلس شورای اسلامی نیز طرح‌هایی با این محور در دستور کار نمایندگان قرار گرفته است. عدم محکومیت حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران توسط سازمان بین‌المللی انرژی اتمی در شکل‌گیری این فضا موثر بود. عباس گودرزی، سخنگوی هیئت‌رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته با تأکید بر ضرورت خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) اظهار کرد: ما امروز ضرورت کشور را خروج از NPT می‌دانیم؛ ما به این معاهده ملحق شدیم تا چرخه صلح‌آمیز سوخت هسته‌ای مان مورد حمایت سازمان‌های

یادداشت

بازنگری در ان پی تی؛ وقتی تعهدات امنیت نمی‌آورند

علیرضا بهرامی
پژوهشگر حقوق عمومی

تجربه‌های جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان باید یک تصور خطرناک را در سیاست خارجی ایران به چالش بکشد: اینکه با رعایت بیشتر دستورالعمل‌های بین‌المللی، شفافیت بیشتر و اعتمادسازی یک‌طرفه، می‌توان امنیت ملی را از طرف‌هایی تضمین گرفت که برای پیشبرد اهداف خود به تحریم و نیروی نظامی متوسل می‌شوند. ایران سال‌ها درگیر پرونده هسته‌ای بود، با آژانس همکاری می‌کرد و تحت شدیدترین نظارت‌ها قرار داشت؛ اما سرانجام تأسیسات هسته‌ای آن هدف حملات اسرائیل و آمریکا قرار گرفتند و دانشمندانش ترور شدند. پس از چنین تجربه‌ای، دیگر نمی‌توان بدون بازنگری در محاسبات گذشته، از ادامه همان مسیر دفاع کرد. پرسش اصلی این است: اگر اعتمادسازی و پذیرش نظارت نتوانستند مانع جنگ شوند، چرا باید فرض کنیم که ادامه همان سیاست، این بار امنیت بیشتری برای ایران به ارمغان خواهد آورد؟ ترور دانشمندان هسته‌ای در جنگ ۱۲ روزه نشان داد که امنیت برنامه هسته‌ای صرفاً به حفاظت فیزیکی از تأسیسات محدود نیست؛ اطلاعات، هویت افراد، سوابق کاری و الگوهای رفت و آمد نیز بخشی از معادله امنیت ملی‌اند. گزارش‌های تحقیقی درباره عملیات اسرائیل، از شناسایی هدفمند دانشمندان و جمع‌آوری اطلاعات درباره آنان حکایت دارند.

از سوی دیگر، مناقشه هسته‌ای بیش از دو دهه است که با تحریم‌ها، فشار اقتصادی و محدودیت‌های بین‌المللی گره خورده است. تجربه برجام و خروج آمریکا از آن در سال ۲۰۱۸، یک واقعیت تلخ را آشکار کرد: حتی پذیرش محدودیت‌ها و توافق با قدرت‌های جهانی نیز، منافع اقتصادی پایدار ایجاد نکرده است. اگر طرف مقابل بتواند با تغییر محاسبات سیاسی خود از توافق خارج شود و فشارها را بازگرداند، چرا ایران باید استمرار تعهدات خود را مستقل از رفتار طرف مقابل مفروض بگیرد؟ ادامه یک سیاست صرفاً به این دلیل که سال‌ها برای آن هزینه داده‌ایم، نه عقلانیت است و نه راهبردی.

ایران باید از سیاست اعتمادسازی یک‌طرفه فاصله بگیرد؛ سیاستی که در آن، افزایش تعهدات و شفافیت به امید تغییر رفتار طرف مقابل دنبال می‌شود، بی‌آنکه تضمینی متناسب برای امنیت کشور به دست آید. ادامه عضویت در ان پی تی باید بر اساس منافع واقعی و قابل سنجش آن ارزیابی شود: آیا این عضویت امنیت تأسیسات و دانشمندان را تقویت می‌کند؟ آیا در برابر نقض تعهدات و حمله نظامی، سازوکار موثری وجود دارد؟ آیا هزینه‌های پذیرفته‌شده با منافع اقتصادی و دیپلماتیک متناسب‌اند؟ اگر پاسخ قانع‌کننده‌ای وجود ندارد، خروج باید به عنوان گزینه‌ای جدی در دستور کار قرار گیرد.

جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان باید پایان یک توهم راهبردی باشد: اینکه می‌توان با رعایت فزاینده دستورالعمل‌ها و اثبات مکرر حسن نیت، امنیت را از طرفی گرفت که حاضر است برای تحقق اهدافش از زور استفاده کند. دیپلماسی ضروری است، اما دیپلماسی بدون شناخت تهدید، بازدارندگی و محاسبه رفتار طرف مقابل می‌تواند به مدیریت یک‌طرفه تعهدات تبدیل شود. ان پی تی برای ایران نه مقدس است و نه ابدی؛ معیار ماندن یا خروج باید منافع ملی باشد. کشوری که تأسیساتش بمباران شده، دانشمندان‌ش ترور شده‌اند و هزینه‌های سنگینی پرداخته است، حق ندارد از پرسیدن یک سؤال راهبردی بترسد: اگر این مسیر امنیت ما را تضمین نکرده، چرا باید آن را بدون بازنگری ادامه دهیم؟

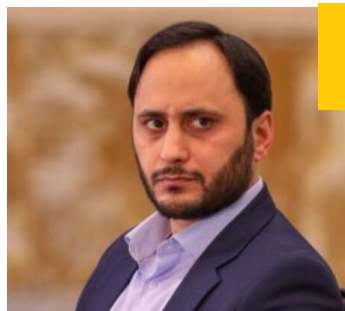
سیاسی

یزدیان: رویکرد معاونت حقوقی مجلس دفاع از رئیس مجلس است، نه مجلس!

حامد یزدیان، نماینده مردم اصفهان در مناظره‌ای، با انتقاد از استانداردهای دوگانه معاونت حقوقی مجلس، اظهار کرد: «مردم از این برخوردهای دوگانه ناراحت هستند. برای مثال، در موضوع تیت‌ریک روزنامه دولتی و اهانت به مجلس، این سؤال مطرح است که چرا واحد حقوقی مجلس برای دفاع از اعتبار مجلس وارد عمل نمی‌شود و از مسئولان آن رسانه نمی‌پرسد که چرا به مردم اهانت می‌کنند؟» وی افزود: «در همین ایام، برخی نمایندگان مجلس نیز اظهارنظرهایی داشته‌اند. نمایندگانی که بر بازگشایی مجلس اصرار دارند، از تربیون استفاده می‌کنند و به دنبال مطرح کردن خود هستند. همچنین یکی از مسئولان یک حزب سیاسی درباره نمایندگان مجلس مطالبی مطرح کرده است.» وی افزود: «آنچه من از عملکرد معاونت واحد حقوقی مجلس متوجه می‌شوم، این است که ظاهراً فقط زمانی که درباره رئیس مجلس اظهارنظری صورت می‌گیرد، واحد حقوقی وارد عمل می‌شود.» یزدیان ادامه داد: «من به عنوان نماینده از این موضوع ناراحت‌م که چرا در این پرونده و پرونده‌های دیگر برخورد دوگانه صورت می‌گیرد. بالاخره این شرایط می‌گذرد، اما مسئله این است که چرا باید با مصادیق مشابه، برخوردهای متفاوتی انجام شود؟» وی همچنین درباره ماجرای اختلاف قالیباف و حجت الاسلام رسایی تأکید کرد: «نباید اجازه دهیم عده‌ای به بهانه یک موضوع سیاسی، اختلاف میان دو نماینده مجلس را به مسئله‌ای بزرگ تبدیل کنند.»



بهادری جهرمی: مردم در جنگ رمضان ستون خیمه وحدت کشور شدند



علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت سیزدهم، با اشاره به تحولات جنگ رمضان و جنگ ۳۳ روزه، اظهار کرد: «در جنگ رمضان، دنیای وحشی مدرن به سرکردگی ایالات متحده که از زمان بمباران اتمی هیروشیما

و ناکازاکی با جهان تعیین تکلیف است، با تمام توان و از هر جهت ممکن به ایران عزیز حمله کرد. همان طور که دبیرکل ناتو نیز اعتراف کرد، تمام امکانات و توانمندی‌ها در اختیار این جریان قرار گرفت و پایگاه‌های نظامی در کشورهای همسایه ما نیز عملاً در اختیار آن‌ها بود.

در کنار این حمایت‌ها، طی دهه‌های گذشته با فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها، عملیات رسانه‌ای و ایجاد تردید در ذهن مردم و جوانان، زمینه‌سازی‌های گسترده‌ای علیه کشور صورت گرفت. وی تصریح کرد: «دشمن تصور می‌کرد هر اتحادی یک ستون خیمه دارد و اگر آن ستون را مورد حمله قرار دهد، انسجام آن از هم می‌پاشد. امام شهید ما را ستون

خیمه وحدت کشور می‌دانستند و گمان می‌کردند با هدف قرار دادن ایشان، وحدت ملی فرو خواهد ریخت. «سخنگوی دولت سیزدهم با اشاره به نتیجه این محاسبات، گفت: «اما آنچه اتفاق افتاد، برخلاف تصور دشمن بود. همان‌طور که امام عزیزمان فرمودند، مردم رهبری را برعهده گرفتند و خود به ستون خیمه وحدت کشور تبدیل شدند. «وی افزود: «مردم به خیابان‌ها و میدان‌ها آمدند و به همه مسئولان، فرماندهان نظامی و افرادی که در جایگاه‌های مختلف مسئولیت داشتند، پیام دادند که پای کشورشان ایستاده‌اند. مردم اعلام کردند که محکم بایستید، به ما تکیه کنید و با قدرت به مسیر خود ادامه دهید.»

نوشتاری اختصاصی از دکتر مهدی جمشیدی جامعه‌شناس و پژوهشگر انقلاب درباره ظرفیت‌های بالقوه بعثت الهی مردم در موقعیت جنگی

ظرفیت‌های بالقوه بعثت الهی مردم در موقعیت جنگی؛ از بسیج تا جانفدا

۱. تبیین از زاویه مفهوم «جامعه فعال». انقلاب اسلامی، حاصل اراده جمعی بود؛ مردم در اثر رهبری قدسی امام خمینی، برانگیخته شدند و به انقلاب رو آوردند. انقلاب، نه حاصل تحزب بود و نه حاصل عملیات چریکی. این انقلاب به معنای واقعی کلمه، انقلاب بود؛ به طوری که نوعی خداآگاهی در عمق جامعه پدید آمد و جامعه، طالب حیات معنوی از طریق رقم‌زدن انقلاب شد.

در دوره پس از انقلاب نیز همین منطق ادامه یافت؛ چه در جنگ تحمیلی اول و چه در فتنه‌ها، این مردمان مؤمن و میدان‌نشین بودند که انقلاب را تداوم بخشیدند. «تداوم انقلاب»، گره‌خوردۀ با حضور و حیات جامعه بود و این نشان می‌دهد که انقلاب، تنها یک نظام سیاسی به معنای عادی و مرسوم نیست، بلکه انقلاب، نوعی تعین و تحقق فطرت ایمانی مردم است. این خصوصیت نظام مبتنی بر «ولایت» است که از ظواهر درمی‌گذرد و اتصال باطنی می‌آفریند.

در جنگ کنونی نیز، همان جامعه انقلابی، دوباره فعال و برانگیخته – به تعبیر قرآنی رهبر شهید، «مبعوث» - شده و احساس می‌کند که باید در این معرکه تاریخی، نقش خاص ایفا کند. اگر در دوره دفاع مقدس اول، واقعیتی به عنوان «بسیج» شکل گرفت و نیروهای بسیجی، به جبهه‌های جنگ شتافتند و بدین ترتیب، جنگ ما از متن و عمق جامعه جوشید، اینک پس از چهار دهه، دوباره همان خیزش و جنبش اجتماعی، پدید آمده و جامعه، مسئولیت تاریخی‌اش را قالب پویش «جان‌فدا»، بر عهده گرفته است. به بیان دیگر، انقلاب و منطق انقلابی، در حال بازتولید و بازسازی خود است و به اکنون جنگی ما پانهاه است.

۲. تبیین از زاویه مفهوم «عقل سرخ». عظیم‌ترین راهپیمایی در دوره نهضت، راهپیمایی تاسوعا و عاشورای حسینی بود که حکومت طاغوت را دچار تکانه‌ای ویران‌گر کرد. استدلال‌های امام خمینی نیز در مواجهه با حکومت طاغوت، مبتنی بر چشم‌انداز عاشورایی بودند. در دوره پس از انقلاب و در متن دفاع مقدس اول، دوباره همان منطق به میدان تحلیل و فهم آمد و این جنگ، زیرسایه معارف و حقایق عاشورایی، معنا یافت. فراتر از این، رهبر

شهید در دهه هفتاد و آن هنگام که تهدیدهای آمریکا، برجسته شده بود، تصریح کرد که اگر حادثه‌ای رخ بدهد، واکنش ما از سنخ حماسه عاشورا خواهد بود. در تمام این دهه‌ها و سال‌ها نیز ایشان، «چفیه» - که نماد برهه دفاع مقدس اول است - بر گردن داشتند تا نشان بدهند که مقاومت و شهادت، «خط اصیل انقلاب» است. ایشان در آخرین سخنرانی‌شان در سال گذشته، در برابر فشار تشدیدشده دشمن آمریکایی، تصریح کرد که منطق و سخن ما همانند حسین بن علی - علیه السلام - این است که «بیعت نمی‌کنیم». این همه، حاکی از غلبه «عقل سرخ» در تقدیر و تدبیر انقلاب است. امروز نیز همین عقل، میدان‌دار و تعیین‌کننده است و جامعه را به سوی پویش جان‌فدا سوق داده است.

جامعه با اقبال به پویش جان‌فدا، نشان می‌دهد که از عقل تسلیم‌مآب و خودخواه و دنیازده، بیگانه است و حاضر به عقب‌نشینی و انفعال نیست؛ حتی اگر پای جان‌ش در میان باشد.

۳. تبیین از زاویه مفهوم «جنگ ترکیبی». اگر انقلاب در موقعیت پیچیده قرار گرفته و دشمن آمریکایی، به مواجهه چندضلعی و مرگب روآورده است، ما نیز باید از هندسه‌های ساده و ابتدایی به هندسه‌های تودرتو و لایه‌لایه رو بیاوریم و طراحی‌های متکثر را در پیش بگیریم. براین اساس، نه فقط باید جامعه و تاب‌آوری‌اش را دریافت، بلکه باید جامعه را بیشتر آورد و برای آن، کنشگری تاریخی و تحرک مؤثر تعریف کرد.

جامعه، بخش مهمی از هدف تخریبی دشمن است و در نظرو، باید به یک تهدید مهلک تبدیل شود، در حالی که ما باید جامعه را به یک «فرصت عینی» و «عنصر مؤلّد» تبدیل کنیم که قدرت می‌آفریند و ساخت درونی را مستحکم می‌سازد. جامعه نباید در نقطه صفر بماند و خاموش و نظاره‌گر باشد، بلکه باید در معادلات جنگی ترکیبی، «نقش پیشران» ایفا کند. پویش جان‌فدا، یک فن‌آوری اجتماعی در موقعیت جنگی است این سرمایه



غیررسمی و نهفته را فعلیت می‌بخشد و اقتدار می‌آفریند. این پاره دیگری از بعثت الهی مردم است که ایمان درونی آنها را بیرونی می‌کند و قدرت نرم و آرایش هویتی تولید می‌کند.

وقتی ساختار جامعه، مبتنی بر امرولایت باشد و جامعه نسبت به خویشستن و دشمن، روایت دینی داشته باشد، این امکان پدید خواهد آمد. اسلام انقلابی که جوهره انقلاب اسلامی است و بخش مؤثری از جامعه ایران را به گونه استثنائی، منسجم و یکپارچه کرده است، موجبات تولّد این امکان اجتماعی را فراهم آورده است.



یادداشت

ما و انتخابات آمریکا

ورژیم صهیونیستی

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

این روزها بحث‌های زیادی مطرح است؛ اولاً اینکه نتایج این انتخابات‌ها برای ما مهم است یا نه و ثانیاً اینکه با هر نتیجه‌ای که حاصل شود، کدام حالت برای ما مطلوب‌تر است.

اهمیت نتایج انتخابات برای ما

در موضوع اول باید گفت که علی‌رغم جنگ وجودی میان ما و امپریالیسم، استراتژی‌های برخورد سران آن رژیم‌ها با ما متفاوت است. بنابراین، اینکه چه کسانی بر سرکار باشند، در نوع تعامل آن‌ها با ما و نحوه عملکردشان تفاوت ایجاد می‌کند. از این منظر، نتایج آن انتخابات‌ها برای ما مهم است.

شکست ترامپ و نتایج؛ مطلوب یا نامطلوب؟

در موضوع دوم، برخی تحلیلگران معتقدند شکست ترامپ و نتایج‌ها از این منظر اهمیت دارد که تجاوزکنندگان به ایران و قاتلان ملت ایران، حتی در میان مردم خود نیز از محبوبیت برخوردار نیستند. همچنین، پایان دادن به جنگ در این مقطع با شکست این دو نفر محتمل‌تر است.

هرچند عده‌ای دیگر، برخلاف این تحلیلگران، معتقدند باقی‌ماندن این دو نفر بر سر قدرت، باعث انزوای بیشتر آمریکا و رژیم صهیونیستی در جهان خواهد شد، شکاف‌های داخلی آن‌ها را عمیق‌تر خواهد کرد و به شکست راهبردی آن‌ها خواهد انجامید. علاوه بر این، باقی‌ماندن آن‌ها بر قدرت، جلوی سفیدشویی جانشینان‌شان را خواهد گرفت. همچنین، سابقه این دو رژیم نشان داده است که تغییر سران، به پایان جنگ‌ها منجر نخواهد شد، مگر با شکست.

حالت مطلوب از نظر بنده

بنده معتقدم حالت مطلوب برای ما، باقی‌ماندن نتایج‌ها در قدرت در چارچوب یک دولت ائتلافی شکننده و در شرایطی است که از طرف دیگر، اپوزیسیونی قدرتمند در برابر او وجود داشته باشد؛ از سوی دیگر، ترامپ و جمهوری خواهان نیز در هر دو مجلس آمریکا با شکست همه جانبه مواجه شوند.

این وضعیت باعث عمیق‌تر شدن شکاف‌های درونی و تداوم نزاع‌های داخلی آن‌ها خواهد شد؛ شکاف میان آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدانش را تشدید خواهد کرد؛ نامشروع بودن اقدامات و اشخاص را حفظ خواهد کرد؛ شکاف میان آمریکا و رژیم صهیونیستی را به شدت افزایش خواهد داد؛ جریان‌های ضد رژیم در آمریکا را تقویت خواهد کرد و دست کم دموکرات‌های آمریکا را مجبور خواهد ساخت که به صورت علنی در برابر رژیم صهیونیستی موضع بگیرند. در نتیجه، رژیم صهیونیستی حمایت سیاسی مطلق آمریکا را از دست خواهد داد.

خبر کوتاه

زاکانی: هر اتفاقی که در شهر است، مستقیماً به شهرداری مربوط است

علیرضا زاکانی، شهردار تهران در واکنش به برخی از جوسازی‌های مجازی نسبت به طرح تورم صفر، اظهار کرد: «هر اتفاقی که در شهر است، مستقیماً به ما مربوط است در طرح تورم صفر فقط ۱۵ قلم کالا تورم صفر خواهد داشت و در قیمت دیگر کالاها دخالتی نداریم.» وی همچنین تصریح کرد: «صددرد برای کل کشور می‌توان تورم کالاهای اساسی را صفر کرد، ثابت نگه داشتن قیمت خواسته رهبر شهید بود.»

ظهوریان: قاب‌بندی پایان جنگ ویتنام مذاکره نبود

نماینده مردم مشهد در مجلس درباره نحوه چگونگی پایان جنگ در ویتنام، که طی روزهای اخیر در فضای مجازی به چالش کشیده شده بود، اظهار کرد: «حتی قاب‌بندی پایان جنگ ویتنام نیز مذاکره نبود. مذاکرات پاریس در سال ۱۹۶۸ آغاز و در ۱۹۷۳ به پایان رسید؛ اما حمله بهار ۱۹۷۵ ویت‌کنگ‌ها و سقوط سائیکون (تحمیل قدرت خارج از چارچوب سیاسی) بود که جنگ را خاتمه و بستر ساز اتحاد مجدد ویتنام ذیل حکومت کمونیستی شد.»

قیمت نفت در آستانه ثبت بالاترین رکورد از آغاز جنگ ایران



قیمت نفت برنت دیروز (جمعه، یکم آبان ماه ۱۴۰۵)، در پی تشدید تنش میان یمن و عربستان و همچنین تداوم حمله به نفتکش‌ها در تنگه هرمز از جمله یک ابرنفتکش در نزدیکی سواحل امارات به بیش از ۱۱۶ دلار رسید که بالاترین حد در بیش از ۵ ماه گذشته است. نفت خام آمریکا هم روز جمعه با افزایش انتظارات مبنی بر تشدید تنش‌ها در هفته‌های آینده، به بالای ۱۰۲ دلار در هر بشکه رسید که بالاترین قیمت در ۵ هفته گذشته است. قیمت‌ها در هفته گذشته حدود ۴ درصد افزایش یافت که سومین افزایش هفتگی متوالی را نشان می‌دهند. نگرانی نسبت به اختلال بیشتر در عرضه نفت، عامل کلیدی در بالا رفتن بهای آن بوده است. یمن طی روزهای اخیر حملات سنگینی به بندر یمن در دریای سرخ عربستان و همچنین

به یک میدان نفتی و یک فرودگاه در این کشور انجام داد. رویترز روز گذشته گزارش داد که شرکت آرامکو عربستان روز پنجشنبه دستور تخلیه دفتر مرکزی خود در طهران (واقع در خلیج فارس و در نزدیکی بحرین) را صادر کرد؛ زیرا درگیری بین بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان و یمن شدت گرفته است.

نگرانی نسبت به عرضه نفت، یکی از عوامل اصلی بالا رفتن بهای نفت و فرآورده‌های نفتی در هفته اخیر بوده است. داده‌های بانک سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس نشان می‌دهد هزینه جهانی حمل نفت طی یک سال گذشته و در پی جنگ ایران و اختلال در مسیرهای دریایی (به‌ویژه تنگه هرمز)، ۷ برابر شده و متوسط کرایه حمل هر بشکه نفت از حدود ۳ دلار به بیش از ۲۰ دلار رسیده است.

دونالد ترامپ مدعی شده بود که نفت بیشتری نسبت به قبل از آغاز جنگ از تنگه هرمز عبور می‌کند. او روز پنجشنبه هفته گذشته در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: ایران برای افزایش قیمت نفت پیش از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا تلاش می‌کند. ترامپ مدعی شد تهران خبر حمله به نفتکش‌ها و وجود مین در تنگه هرمز را منتشر می‌کند و اصرار داشت که نفت بیشتری نسبت به قبل از آغاز جنگ از این تنگه عبور می‌کند. با این حال، هم‌زمان با این اظهارات، قیمت نفت برنت حدود ۴ درصد افزایش یافت و به محدوده ۱۱۳ دلار در هر بشکه رسید. ترامپ بر افزایش عبور نفت از تنگه هرمز تأکید کرده بود، اما رشد قیمت ناشی از فشار عرضه نشان داد که سخنان او ادعایی بیش نیست.

با افزایش ۴۰ درصدی از روز جمعه رخ داد؛

گرانسازی به اینترنت رسید؛ از ۴۰ تا ۸۰ درصد!

اینترنت امروز دیگر کالایی لوکس نیست و جایگاه ثابتی در سبد هزینه خانوارها دارد؛ هزینه‌ای که خانوارها نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند. با این حال، از بامداد جمعه، یکم آبان‌ماه، تعرفه اینترنت همراه، مکالمه و پیامک ۴۰ درصد افزایش یافت و هزینه استفاده از خدمات ارتباطی را برای خانوارها گران کرد. این افزایش در حالی اعمال شده که تورم نقطه به نقطه ارتباطات در شهریورماه امسال به ۱۲۲.۷ درصد رسید؛ البته بررسی‌ها نشان می‌دهد تعرفه اینترنت همراه از ابتدای آذرماه سال گذشته تا آبان امسال ۹۸ درصد افزایش داشته؛ یعنی این تعرفه در ۱۱ ماه دو برابر شده است.



نیماسپهیلی

روزنامه‌نگار

مشترکان و وضعیت اقتصادی اپراتورها از سوی مراجع ذی صلاح اعمال شده است.

اینترنت در ۱۱ ماه ۹۸ درصد گران شد

تعرفه اینترنت همراه در سال ۱۴۰۴ و براساس مصوبات سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، در دو مرحله افزایش یافت. این تعرفه‌ها در ۱۲ آذر و ۵ اسفند سال گذشته به ترتیب ۲۰ و ۱۸ درصد افزایش داشت. همچنین، تعرفه خدمات مکالمه و پیامک در مهرماه سال گذشته افزایش یافته بود. با افزایش جدید ۴۰ درصدی از دیروز، قیمت بسته‌های اینترنت از ابتدای آذرماه سال گذشته تا آبان امسال، در مجموع نزدیک به ۹۸ درصد افزایش یافته است. این رقم نشان می‌دهد قیمت اینترنت در فاصله‌ای ۱۱ ماهه تقریباً دو برابر شده است. بررسی آخرین گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد افزایش هزینه خدمات ارتباطی در ماه‌های اخیر نیز قابل توجه بوده است. تورم ماهانه نقطه به نقطه ارتباطات در شهریورماه امسال به ۱۲۲.۷ درصد رسید؛ یعنی هزینه پرداختی خانوارها برای تلفن، اینترنت و سایر خدمات ارتباطی در شهریور امسال نسبت به شهریور سال گذشته حدود ۱۲۳ درصد افزایش یافته است. ارتباطات پس از دخانیات، میلمان و لوازم خانگی، بیشترین تورم نقطه‌ای را ثبت کرده است. تورم ماهانه این گروه در شهریور رتبه نخست را داشت و به ۱۴.۷ درصد رسید؛ یعنی حدود ۱۵ درصد افزایش قیمت نسبت به مرداد امسال رخ داده است.

دفاع وزارت ارتباطات از گران شدن اینترنت

ستار هاشمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، پیش‌تر در دفاع از ضرورت اصلاح تعرفه‌های ارتباطی گفته بود: سیاست سرکوب تعرفه‌ها، جذابیت سرمایه‌گذاری در این حوزه را کاهش داده و در صورت نبود سرمایه‌گذاری، کیفیت شبکه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وی افزود: ۶۵ درصد هزینه‌های کاربران ارتباطی کشور از ارز است و همچنین هزینه‌های تأمین انرژی، نیروی انسانی و سایر عوامل نیز بر هزینه ارائه خدمات ارتباطی می‌افزایند. هاشمی در پاسخ به این پرسش که چرا افزایش تعرفه‌ها به سرعت به بهبود کیفیت شبکه منجر نمی‌شود، گفت: این فرآیند به صورت تدریجی اتفاق می‌افتد؛ زیرا سرمایه‌گذار ابتدا باید به این اطمینان برسد که سرمایه‌گذاری در حوزه ارتباطات، در مقایسه با سایر بخش‌ها، بازدهی بیشتری دارد. وزیر ارتباطات همچنین در جلسه کنترل پروژه فیبر نوری اعلام کرده بود که اصلاح تعرفه‌های ارتباطی به طور جدی در دستور کار قرار دارد و توسعه پایدار ارتباطات با اقتصاد دستوری امکان‌پذیر نیست. با وجود این، حمید فتاحی، معاون وزیر ارتباطات و رئیس سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، با اشاره به افزایش قیمت‌ها در سایر بخش‌ها

موج خبر

زندگی مجازی مردم هم گران شد!

سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

قطار گران‌سازی دولت به ایستگاه اینترنت رسید! فعلاً ۴۰ درصد افزایش تعرفه و احتمالاً تا آخر سال، مردم با افزایش ۸۰ درصدی مواجه خواهند شد؛ یعنی علاوه بر زندگی واقعی، زندگی مجازی مردم هم گران شد. واقعاً با ملغمه‌ای از سوء تدبیر و بی‌کفایتی مواجهیم که باعث افتضاح مدیریتی در عموم عرصه‌های زندگی مردم، از اقتصاد و فرهنگ گرفته تا سیاست خارجی و... شده است. این اتفاق تلخ، البته عمیقاً ناراحت‌کننده و دردآور است و به هیچ‌وجه خوشحال‌کننده نیست. از سوی دیگر، این ناکارآمدی و وضعیت مفتضح، لشکر تخریب‌گران، پروژه‌گیران رسانه‌ای و فعالان سیاسی هتاک را که امروز بخش عمده‌ای از آنان مدیر و مشاور مقامات‌اند و در طول سه سال دولت شهید رئیسی از هیچ کوششی برای توهین، تخریب و تمسخر کوتاهی نکردند، بدجور آچمز کرده است. زبان‌شان بند آمده و آثار شرم و حقارت بر چهره‌هایشان هویداست. با چه رویی باید از این وضعیت افتضاح دفاع کنند؟ چگونه رفتار ناشایست گذشته خود را توجیه کنند؟ هر چه علیه شهید رئیسی گفتند، در این دو سال به بدترین وجه بر سر خودشان آوار شده است.

وقتی حجم بالای لودگی‌های این جماعت لمپن را که روزانه در قالب توثیت یا ویدئوهای سفارشی در رسانه‌ها به صورت پرحجم بازنشر می‌کردند مرور کنی، برای حال و روز امروزشان که در گِل گیر کرده‌اند، بیشتر متأسف می‌شوی.

دو سال قبل اگر کسی از عدم کفایت صحبت می‌کرد، با سرنیزه «وفاق» تکفیر می‌شد؛ اما امروز تقریباً در غالب محافل و جلسات، روایت بی‌کفایتی و مدیر و مدبر نبودن، به عنوان یک تجربه زیسته خسارت‌آفرین مورد پذیرش و تأکید عمومی است و همه به دنبال راهکار برای برون‌رفت می‌گردند. دو سال سخت و خسارت‌بار بر ایران و زندگی این مردم مظلوم گذشت تا این واقعیت – که البته از همان ابتدا هم برای بسیاری معلوم بود، همه‌فهم شود. خدا در جات شهید رئیسی مظلوم را متعالی کند که شخصیتی تراز بود و در مقابل هتاک‌های بی‌معرفتی‌ها صبور می‌کرد.

امیرسیاح درگفت‌وگو با نوبنیاد مطرح کرد؛

اقتصاد کشور فرمانده جنگ می‌خواهد

یک کارشناس مسائل اقتصادی، با تأکید بر اینکه هدف آمریکا از تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران، کاهش تاب‌آوری ملی است، گفت: دشمن پس از ناکامی در میدان نظامی، محدودسازی مواد اولیه مورد نیاز تولید، کاهش امکان صادرات و تضعیف قدرت خرید

مردم را دنبال می‌کند. او با تأکید بر اینکه دولت باید آرایش جنگی داشته باشد، افزود: تعیین فرمانده اقتصادی برای هماهنگی میان بخش‌های مختلف دولت، رفع موانع تولید و صادرات و تخصیص بهینه منابع ارزی ضروری است.



هادی مولایی

روزنامه‌نگار

هماهنگی میان سیاست‌های ارزی، تجاری، بانکی و تولیدی حکایت دارد؛ ساختاری که بتواند از پراکندگی تصمیم‌ها، اختلاف رویه‌ها و بروکراسی میان دستگاه‌ها جلوگیری کند. واقعیت غیرقابل انکار این است که کشور امروز در میانه یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار دارد اما متأسفانه هنوز در بخش ساختاری، اتاق فرماندهی که بتواند جنگ ما را در عرصه اقتصاد هدایت و اداره کند شکل نگرفته است.

هدف آمریکا، کاهش تاب‌آوری ملی است

سید امیرسیاح، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با نوبنیاد، با اشاره به تغییر شکل جنگ آمریکا با ایران و ضرورت اتخاذ تدابیر اقتصادی متناسب با شرایط کنونی اظهار کرد: بیش از هفت ماه از آغاز حملات ناجوانمردانه دشمن آمریکایی-صهیونیستی می‌گذرد که در این حملات، رهبرانقلاب اسلامی و خانواده ایشان، فرماندهان نظامی، دانش‌آموزان، ورزشکاران و افسار مختلف ملت هدف قرار گرفتند و شهید شدند؛ همچنین زیرساخت‌های کشور نیز مورد حمله قرار گرفت. وی با اشاره به شکست دشمن در بخش نظامی، افزود: آمریکا جنگ را از نظامی به اقتصادی تغییر داده است. اکنون حداکثر فشار را وارد می‌کند تا مواد اولیه کمتری به واحدهای تولیدی برسد، امکان صادرات محدودتر شود و قدرت خرید مردم کاهش پیدا کند. هدف این فشارها، رساندن تاب‌آوری ملی به حداقل ممکن است.

آرایش جنگی اقتصاد؛ راهکار مقابله با فشارها

این کارشناس اقتصادی بیان کرد: در این شرایط، همه باید دست به دست هم بدهیم و به دولت کمک کنیم تا جریان تولید و صادرات همچنان برقرار بماند و تأمین کالاهای اساسی و سایر کالاهای مورد نیاز مردم نیز بدون وقفه ادامه پیدا کند. سیاح با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد دستگاه‌های اجرایی گفت: در این شرایط خاص اقتصادی، انتظار می‌رود همه دستگاه‌های اجرایی آرایش جنگی به خود بگیرند. آن‌ها باید فعالیت‌هایشان را اولویت‌بندی کنند و با حداکثر هماهنگی پیش بروند؛ کارهای دارای اولویت دوم و سوم باید کنار گذاشته شوند. وی افزود: نیازهای ارزی و منابع مورد نیاز کشور نیز باید با صرفه‌جویی حداکثری تأمین و تخصیص داده شوند و این کار باید با دقت فراوان انجام شود.

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: برای اینکه تاب‌آوری ملی به حداکثر ممکن برسد، لازم است واحدهای تولیدی با تمام قوا فعالیت کنند؛ در این شرایط، ضروری است

دستگاه‌های اجرایی مرتبط با تولید کاملاً هماهنگ باشند. سیاح ادامه داد: سازمان تأمین اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان امور مالیاتی، گمرک، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان برنامه و بودجه و نظام بانکی، از جمله دستگاه‌هایی هستند که باید هماهنگ عمل کنند. این دستگاه‌ها باید در خدمت تولید باشند تا مواد اولیه در سریع‌ترین زمان ممکن به واحدهای تولیدی برسد و محصولات تولیدی نیز در اسرع وقت صادر و عرضه شوند.

ضرورت استقرار فرمانده اتاق جنگ اقتصادی

وی با اشاره به ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی و رفع موانع تولید و صادرات اظهار کرد: برای تحقق این هماهنگی، لازم است یک فرمانده اقتصادی تعیین شود. فردی بصیر که دانش و تجربه کافی داشته باشد، باید به عنوان هماهنگ‌کننده و فرمانده اتاق جنگ اقتصادی منصوب شود و در اتاق وضعیت اقتصاد ایران مستقر گردد. این کارشناس اقتصادی افزود: فرمانده اقتصادی باید به‌طور مستمر آخرین اخبار، تحولات و شاخص‌ها را کنترل کند و برای حفظ و ارتقای تاب‌آوری عمومی تصمیم بگیرد. حفظ تولید و صادرات و تخصیص بهینه منابع ارزی کشور نیز باید در اولویت تصمیم‌های او باشد و هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی را برقرار کند.

سیاح با تأکید بر نقش رئیس‌جمهور در تعیین فرمانده اقتصادی بیان کرد: رئیس‌جمهور می‌تواند با استفاده از اختیارات اصل ۱۳۸ (یا ۱۳۷) قانون اساسی، فردی مورد اعتماد، میهن‌دوست، بصیر و با توان اجرایی بالا را برای این مسئولیت منصوب کند. بهتر است یکی از اقتصاددانان با تجربه برای این مسئولیت انتخاب شود. امیدوارم با این اقدام، در جنگ اقتصادی نیز موفق شویم و کشور بتواند از پیچ‌خیز خطرناک فعلی با موفقیت و سرافرازی عبور کند.

سیاح با انتقاد از نبود هماهنگی میان بخش‌های مختلف اقتصادی تأکید کرد: در غیاب فرمانده اقتصادی، وزارت صمت، بخش مالیاتی و بورس هرکدام ساز خودشان را می‌زنند. اگر فرمانده اقتصادی داشتیم، باید فوراً بر معاملات املاک، خودرو، طلا و رمزارز، به‌گونه‌ای مالیات بر عایدی سرمایه وضع می‌شد که هجوم سفته‌بازان به این بازارها مهار شود. وی در تشریح اقداماتی که یک فرمانده اقتصادی می‌تواند برای رفع موانع تولید و صادرات انجام دهد، اظهار کرد: اگر فرمانده اقتصادی داشتیم، به وزارت صمت می‌رفت و انبوه مقرراتی را که مانع صادرات و مشوق قاچاق هستند، حذف می‌کرد.

نبض اقتصاد

آمریکا در بن‌بست سوخت گران

خبرگزاری سی‌ان‌ان در گزارشی با عنوان «هیچ راه حل جادویی برای کاهش قیمت سوخت وجود ندارد»، به بن‌بست دولت ترامپ در مواجهه با قیمت بالای سوخت و بی‌اثر بودن تلاش‌های او برای کاهش قیمت سوخت در روزهای منتهی به انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس آمریکا اشاره کرد. این خبرگزاری آمریکایی نوشت: ترامپ در واپسین روزهای کارزار انتخاباتی میان‌دوره‌ای تلاش می‌کند نارضایتی کشاورزان، رانندگان کامیون و رانندگانی را فروبشاند که از بنزین گالنی ۴ دلاری و قیمت گازوئیل در نزدیکی رکوردهای تاریخی به‌سویه آمده‌اند. در چند هفته گذشته، مقام‌های دولت ترامپ مجموعه گسترده‌ای از اقدامات سیاستی را رونمایی کرده‌اند؛ از بسته حمایتی ۸ میلیارد دلاری برای کشاورزان گرفته تا طرح بحث برانگیز واردات گازوئیل از روسیه، اجازه استفاده رانندگان کامیون از گازوئیل قرمز و بررسی راه‌هایی برای احیا و به‌کارگیری ناوگان فرسوده نفتکش‌های موسوم به «ناوگان سایه».

باب مک‌نالی، مشاور پیشین انرژی رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، جورج دبلیو. بوش، گفت: «اینجا هیچ راه حل معجزه‌آسایی وجود ندارد. هیچ‌یک از این اقدامات مشکل اساسی را حل نخواهد کرد.» قیمت گازوئیل از هر گالن ۳.۷۶ دلار در سطح ملی پیش از آغاز جنگ، به رکورد تاریخی ۶.۵۳ دلار در اواخر سپتامبر جهش کرده است. این افزایش قیمت به‌ویژه برای کشاورزان در دسرساز بوده است؛ زیرا آن‌ها برای به حرکت درآوردن تراکتورها و دیگر ماشین‌آلات کشاورزی به گازوئیل نیاز دارند و برای رساندن محصولات خود به بازار نیز به کامیون‌های گازوئیل‌سوز متکی هستند. برای درک ابعاد این هزینه، کافی است بدانیم که یک مزرعه معمولی در کانزاس سال گذشته حدود ۳۱ هزار دلار برای گازوئیل هزینه کرده است؛ رقمی قابل توجه که به گفته گرگ اینبندال، دانشیار اقتصاد کشاورزی در دانشگاه آیالتی کانزاس، ممکن است امسال دو برابر شود.

گابریل لید، استاد اقتصاد کشاورزی در دانشگاه آیالتی اوهایو گفت: «در وضعیتی گرفتار شده‌ایم که جنگ‌های تجاری قیمت فروش محصولات را پایین می‌آورند و جنگ‌های نظامی هزینه نهاده‌های تولید را افزایش می‌دهند.» طرح ترامپ برای واردات گازوئیل از روسیه با واکنش منفی هر دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات روبه‌رو شده است. طرح اولیه، واردات حدود ۲.۲ میلیون بشکه گازوئیل است؛ رقمی ناچیز در مقایسه با مصرف روزانه حدود ۴ میلیون بشکه‌ای گازوئیل در آمریکا. رابرت باگر، مدیر معاملات آتی انرژی در شرکت اوراق بهادار می‌زوهو، گفت: «اگر تمام این بشکه‌ها را در یک روز وارد کنیم، ذخیره حاصل فقط تا حوالی وقت ناهار دوام می‌آورد.»

مقام‌های دولت ترامپ در حال پیگیری ایده نامتعارف دیگری برای مقابله با قیمت بالای سوخت هستند که خارج کردن نفتکش‌های تحریم‌شده موسوم به «ناوگان سایه» از حاشیه و بازگرداندن آن‌ها به فعالیت است. تمرکز بر ناوگان سایه با هدف مقابله با افزایش سرسام‌آور هزینه حمل‌ونقل دریایی انجام می‌شود. بر اساس داده‌های مؤسسه کلازکسون ریسرچ، نرخ روزانه اجاره یک ابرنفتکش برای انتقال نفت خام از خلیج فارس به چین، از حدود ۶۵ هزار دلار در سال گذشته ۱.۴ میلیون دلار در هفته جاری جهش کرده است. اما به کارگیری نفتکش‌های ناوگان سایه سخت‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد. این کار مستلزم عبور از پیچیدگی‌های حقوقی، جلب همکاری شرکت‌های بیمه و در بسیاری از موارد، انجام تعمیرات پرهزینه روی نفتکش‌های فرسوده است. مک‌نالی گفت: «احتمالاً تأثیر این اقدام محدود خواهد بود؛ زیرا بسیاری از این کشتی‌ها هم‌اکنون در حال استفاده هستند. آن‌هایی هم که استفاده نمی‌شوند، احتمالاً قدیمی و در وضعیت نامناسبی قرار دارند.» هیچ‌یک از این اقدامات، چه به‌تنهایی و چه در کنار یکدیگر، نمی‌توانند بنزین و گازوئیل را دوباره ارزان کنند. جنگ با ایران، در کنار جنگ روسیه و اوکراین و اقدامات یم‌ن در دریای سرخ، کابوسی در زنجیره تأمین ایجاد کرده است که رفع آن به زمان قابل‌توجهی نیاز دارد.

چرا نمایشگاه‌های اتموبیل از خودروهای لوکس وارداتی پُر شد؟

سیاح کارشناس

مسائل اقتصادی،

نبود برنامه و

فرماندهی منسجم

در اقتصاد را

زمینه‌ساز گسترش

فعالیت‌های غیرمولد

دانست و گفت؛ در

اقتصادی که برنامه

و فرمانده واحد

ندارد، فعالیت‌های

سوداگرانه و نامولد

مثل قارچ سبز

می‌شوند. وی با

اشاره به واردات

خودروهای لوکس

و عرضه آن‌ها در

بازار کشور اظهار

کرد: نمایشگاه‌های

ماشین در

خیابان‌های بهشتی،

مطهری، شریعتی

و سهروردی مملو از

خودروهای لوکس

وارداتی شده‌اند؛ این

در حالی است که باید

پرسید کدام کشور

در شرایط تحریم و

جنگ، با منابع ارزی

محدود خود، چنین

کاری می‌کند؟

بین الملل

فرانسه در آستانه اعتراضات شنبه نیروهای کارآموز پلیس را به خدمت می‌گیرد



شهرهایی مانند پاریس، لیون، نیس و مارسلی اعمال کرده‌اند. دولت همچنین خواستار محدود شدن اعتراضات سازمان‌یافته خارج از چارچوب اتحادیه‌های کارگری شده است.

دولت فرانسه در آستانه اعتراضات روز شنبه، از افزایش ۲۰ درصدی نیروهای امنیتی و تشدید تدابیر امنیتی خبر داد. اداره کل پلیس ملی فرانسه از کارآموزان داوطلبی که به پایان دوره آموزشی خود نزدیک شده‌اند، خواسته است برای تقویت نیروهای امنیتی مشارکت کنند. به ادعای این اداره این افراد در حفاظت از ساختمان‌ها و امور اداری فعالیت خواهند کرد و در کنترل مستقیم جمعیت به کار گرفته نمی‌شوند.

دولت فرانسه قصد دارد بیش از ۶۰ هزار نیروی امنیتی را برای تأمین امنیت اعتراضات مستقر کند. نیروهای نظامی سنتیل، یگان‌های ویژه و پلیس ضدشورش نیز در آماده‌باش خواهند بود. مقام‌های فرانسه محدودیت‌هایی از جمله منع رفت‌وآمد شبانه در برخی مناطق، ممنوعیت حمل مواد آتش‌زا و تجهیزات حفاظتی و محدودیت برگزاری تجمعات در

شهرهایی مانند پاریس، لیون، نیس و مارسلی اعمال کرده‌اند. دولت همچنین خواستار محدود شدن اعتراضات سازمان‌یافته خارج از چارچوب اتحادیه‌های کارگری شده است.

رویترز از پرهزینه‌تر شدن تلاش کاخ سفید برای مهار قیمت گازوئیل خبر داد

گرانی، اعتصاب و بن بست ترامپ در آستانه انتخابات

در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، موج گرانی از پمپ‌بنزین‌ها و فروشگاه‌های مواد غذایی تا بازار مسکن، به یکی از جدی‌ترین چالش‌های ترامپ تبدیل شده است. گزارش تازه رویترز نشان می‌دهد تلاش‌های پرهزینه دولت برای مهار قیمت گازوئیل نه تنها نتیجه ملموسی نداشته، بلکه هزینه‌های مالی و سیاسی تازه‌ای نیز به کاخ سفید تحمیل کرده است. هم‌زمان، افزایش فشار معیشتی، رکود بازار مسکن و اعتصاب نزدیک به ۱۰۰ هزار کارمند ایالت کالیفرنیا، تصویری از گسترش نارضایتی در جامعه آمریکا نشان می‌دهد. وضعیتی که می‌تواند معادلات انتخاباتی جمهوری‌خواهان را در سوم نوامبر تحت تأثیر قرار دهد.

قدرت خرید متقاضیان را کاهش داده است. فشار معیشتی در کنار بازار انرژی و مسکن، در محیط‌های کاری نیز به تنش منجر شده است. بنا بر گزارش منتشرشده در «پپلز ورلد»، نزدیک به ۱۰۰ هزار کارمند ایالت کالیفرنیا در ۲۱ اکتبر در اعتصابی یک‌روزه شرکت کردند. اعتصابی که از سن دیگو تا سان فرانسیسکو و شهرهای دیگر امتداد یافت.

این اعتصاب که بزرگ‌ترین اقدام از این نوع در کالیفرنیا طی ۴۴ سال گذشته توصیف شده، تنها یک اختلاف اداری بر سر قرارداد نیست بلکه بازتابی از مناقشه گسترده‌تر بر سر دستمزد، هزینه زندگی و قدرت خرید نیروی کار است. اتحادیه هشدار داده که در صورت ادامه این شرایط، احتمال تشدید اقدامات اعتراضی وجود دارد.

در همین حال، نظرسنجی رویترز/ایپسوس در ماه اکتبر نشان می‌دهد نزدیک به ۸۰ درصد آمریکایی‌ها ترامپ را مسئول افزایش هزینه‌ها می‌دانند. این رقم برای رئیس‌جمهوری که وعده بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش هزینه‌های زندگی را در مرکز شعارهای خود قرار داده، هشدار سیاسی مهمی محسوب می‌شود.

کمک‌های میلیارد دلاری، فرمان‌های اجرایی و فشار بر متحدان خارجی تاکنون نتوانسته‌اند مانع بازگشت قیمت گازوئیل به مسیر صعودی شوند. اگر این روند ادامه یابد، رأی‌دهندگان ممکن است در پای صندوق‌های رأی، به جای ارزیابی وعده‌های انتخاباتی، درباره نتیجه‌ای قضاوت کنند که هر روز در پمپ‌بنزین، فروشگاه و صورت حساب مسکن خود می‌بینند. جایی که شعارهای سیاسی با واقعیت هزینه‌های زندگی سنجیده می‌شود.

می‌رساند؛ رقمی بالاتر از رکورد ۴۵ میلیارد دلاری سال ۲۰۲۰ که در دوران همه‌گیری کرونا ثبت شده بود. با این حال، پرداخت یارانه و کمک نقدی به کشاورزان، اختلال در بازار انرژی، افزایش هزینه کود شیمیایی و فشار ناشی از سوخت گران‌ر به‌طور مستقیم برطرف نمی‌کند. به بیان دیگر، دولت برای جبران پیامدهای گرانی پول بیشتری خرج می‌کند، بی‌آنکه ریشه‌های بحران را از میان بردارد. ابعاد بحران به سوخت کامیون‌ها محدود نیست. بر اساس داده‌های ارائه‌شده در گزارش‌های اقتصادی آمریکا، قیمت مواد غذایی در خانه در سپتامبر ۲۰۲۱ نسبت به سپتامبر ۲۰۲۰ حدود ۲۲.۵ درصد افزایش یافته است.

افزایش هزینه حمل‌ونقل، به‌ویژه در اقتصادی که بخش بزرگی از جابه‌جایی کالاهای آن به کامیون‌ها وابسته است، می‌تواند فشار مضاعفی بر قیمت نهایی محصولات وارد کند. وقتی کشاورز برای سوخت ماشین‌آلات، راننده برای گازوئیل و فروشنده برای انتقال و نگهداری کالا پول بیشتری می‌پردازند، خانوار آمریکایی در نهایت با صورت حساب سنگین‌تری مواجه می‌شود. در چنین شرایطی، کمک‌های دولتی ممکن است بخشی از زیان تولیدکنندگان را جبران کند، اما الزاماً به کاهش قیمت کالا در فروشگاه منجر نمی‌شود.

بازار مسکن نیز نشانه‌های روشنی از تشدید فشار بر خانوارها بروز داده است. طبق گزارش آسوشیتدپرس، متوسط نرخ وام مسکن ثابت ۳۰ ساله آمریکا به ۷.۳۲ درصد رسیده است. در حالی که این نرخ یک سال قبل ۶.۱۹ درصد بود. هزینه تأمین مالی مسکن افزایش یافته و همین مسئله

Workers walk: Almost 100K California employees struck for a day

October 22, 2026 | 11:56 AM CDT | BY MARK GRUENBERG



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

اعتراض معیشتی در قلب اقتصاد آمریکا

فشار معیشتی در کنار بازار انرژی و مسکن، در محیط‌های کاری نیز به تنش منجر شده است. بنا بر گزارش منتشرشده در «پپلز ورلد»، نزدیک به ۱۰۰ هزار کارمند ایالت کالیفرنیا در ۲۱ اکتبر در اعتصابی یک‌روزه شرکت کردند. اعتصابی که از سن دیگو تا سان فرانسیسکو و شهرهای دیگر امتداد یافت. این اعتصاب که بزرگ‌ترین اقدام از این نوع در کالیفرنیا طی ۴۴ سال گذشته توصیف شده، تنها یک اختلاف اداری بر سر قرارداد نیست بلکه بازتابی از مناقشه گسترده‌تر بر سر دستمزد، هزینه زندگی و قدرت خرید نیروی کار است. اتحادیه هشدار داده که در صورت ادامه این شرایط، احتمال تشدید اقدامات اعتراضی وجود دارد.

یادداشت

از غزه تا الخلیل؛ جوان فلسطینی علیه اشغالگران

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

آنچه امروز در الخلیل کرانه باختری رخ داد، جدا از سال‌ها اشغالگری، تحقیر، سرکوب و خشونت سازمان‌یافته علیه ملت فلسطین نیست. عملیات مسلحانه‌ای که به کشته‌شدن دو نظامی رژیم صهیونیستی انجامید، در شرایطی اتفاق افتاد که فلسطینیان در غزه زیر آوار جنگ و ویرانی زندگی می‌کنند، در کرانه باختری با یورش‌های نظامی و حملات شهرک‌نشینان مواجه‌اند و در قدس اشغالی نیز محدودیت‌های مکرر علیه نمازگزاران و دسترسی مسلمانان به مسجد الاقصی را تجربه می‌کنند.

جنگ و عملیات نظامی رژیم صهیونیستی در غزه، تخریب گسترده خانه‌ها و زیرساخت‌ها و آوارگی هزاران خانواده، وضعیت خشم و احساس بی‌پناهی را در جامعه فلسطینی عمیق‌تر کرده است. وقتی خانه و زندگی یک خانواده ویران می‌شود، وقتی کودکان و غیرنظامیان قربانی حملات می‌شوند و وقتی افق روشنی برای پایان اشغال و محاصره وجود ندارد، زمینه اجتماعی برای تداوم مقاومت نیز از میان نمی‌رود. در کرانه باختری نیز فلسطینیان با گسترش شهرک‌سازی، تصرف زمین‌ها، یورش به خانه‌ها، بازداشت‌ها و محدودیت‌های رفت‌وآمد روبه‌رو هستند. مسجد الاقصی نیز به یکی از کانون‌های اصلی تنش تبدیل شده است. جایی که هر محدودیت علیه نمازگزاران فلسطینی، فراتر از یک اقدام امنیتی، به عنوان تعرض به حقوق دینی و ملی آنان تلقی می‌شود. گزارش شبکه سی‌ان‌ان درباره افزایش خشونت شهرک‌نشینان در کرانه باختری، تصویری روشن از شرایطی ارائه می‌دهد که فلسطینیان در آن زندگی می‌کنند. این گزارش از حمله به خانه‌ها، شکستن پنجره‌ها، آتش‌زدن منازل و ضرب‌وشتم فلسطینیان در روستاهای قصرة و جالود سخن می‌گوید. حملاتی که به گفته گزارشگرسی‌ان‌ان، بیش از دود دهه است زندگی مردم این مناطق را تحت تأثیر قرار داده است.

در یکی از تکان‌دهنده‌ترین بخش‌های گزارش، محمود طوباسی، فلسطینی قربانی حملات شهرک‌نشینان، می‌گوید سه ماه پیش شهرک‌نشینان او را مجبور کردند خانه‌هایی را که برای خانواده‌اش ساخته بود ترک کند. او در پاسخ به این سؤال که اگر بازگردد چه اتفاقی برایش می‌افتد، می‌گوید: «آنها مرا خواهند کشت».

سی‌ان‌ان همچنین گزارش می‌دهد که بیش از صد شهرک‌نشین به خانه این خانواده حمله کردند، سنگ پرتاب کردند و آتش افروختند، در حالی که نیروهای ارتش اسرائیل با وجود اعزام به محل، نتوانستند یا نخواستند مهاجمان را متوقف کنند. این گزارش از افزایش دوباربری حملات علیه فلسطینیان طی سه سال گذشته و پایین بودن میزان پیگرد قضایی پرونده‌های خشونت یهودیان علیه فلسطینیان نیز خبر می‌دهد.

در چنین شرایطی، تصویر شهرک‌نشین به عنوان یک فرد ادبی و غیرسیاسی که صرفاً در محل سکونت خود زندگی می‌کند، با واقعیت میدانی فاصله دارد. در چنین بستری، عملیات دیروز الخلیل را باید در چارچوب گسترده‌تر بحران اشغالگری و چرخه خشونت‌دیده که سال‌هاست ادامه دارد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تشدید محدودیت‌ها و مجازات جمعی، لزوماً به پایان مقاومت منجر نمی‌شود بلکه می‌تواند خشم عمومی را عمیق‌تر و چرخه درگیری را پیچیده‌تر کند. نمی‌توان از یک سو خانه‌های فلسطینیان را در آتش دید، زمین‌های آنان را در معرض تصرف یافت و راه‌های رفت‌وآمدشان را مسدود کرد و از سوی دیگر انتظار داشت که مسئله فلسطین صرفاً با اقدامات امنیتی حل و فصل شود. رژیم صهیونیستی باید بداند که این حرکت‌ها و عملیات‌های استشهادهای و مقاومتی با بمباران و حمله هیچگاه به پایان نخواهد رسید. مقاومت در سراسر فلسطین از دل مردمی بیرون آمده است که بیش از صد سال با حمایت‌های آمریکا و بریتانیا از این رژیم مورد ظلم قرار گرفته‌اند. لذا رژیم صهیونیستی روز به روز باید منتظر ضربه بیشتری بزرگ‌تری از مقاومت را داشته باشد.

یادداشت

معمای مماشات با باکو

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

در سال‌های اخیر دو ابهام بنیادین، ذهن افکار عمومی ایران را آشفته کرده است. ابهام نخست، تجربه‌ای روشن است: جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گاه حضور نظامی، غیرنظامی و جاسوسی رژیم صهیونیستی را در همسایگی و نزدیک مرزهای خود تحمل نکرده و نخواهد کرد. مصداق زنده این اصل، حملات موشکی پی‌درپی به مقرهای موساد و پایگاه‌های تجزیه‌طلبان کرد در اقلیم کردستان عراق و نیز ضربات دقیق به مراکز موساد و سیاه‌پوش‌های عربی حاشیه خلیج فارس در جریان جنگ تحمیلی ۳۹ روزه بود. ایران نشان داد که خط قرمز امنیت ملی‌اش، فاصله چندکیلومتری با تل آویو نیست؛ بلکه هر نقطه نزدیک به خاکش است.

اما در نقطه مقابل، ابهام دوم چون زخمی کهنه باز می‌شود. علی‌رغم اذعان صریح مقامات باکو و اسرائیل به روابط راهبردی عمیق میان دو طرف، علی‌رغم گزارش اختصاصی شبکه سی‌ان‌ان از استقرار تیم‌های عملیات ویژه، پهبادی و نظامی اسرائیل در جنوب جمهوری آذربایجان و در فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتری تبریز، و علی‌رغم گزارش‌های متعدد مردمی از استفاده اسرائیل از حریم هوایی باکو برای حمله به شمال ایران و تهران، هیچ نشانه بازدارنده‌ای از برخورد جدی با شیطن‌های دیکتاتور باکو، الهام علی‌اف، دیده نمی‌شود.

سی‌ان‌ان به نقل از منابع آگاه گزارش داده که در جریان جنگ اخیر، نیروهای نظامی و اطلاعاتی اسرائیل به‌طور محرمانه در چند نقطه جنوبی جمهوری آذربایجان مستقر شده بودند؛ بخشی از شبکه‌ای گسترده‌تر از پایگاه‌های مخفی در خاورمیانه برای پشتیبانی عملیات علیه ایران. واحدهای کماندویی و نیروهای اطلاعاتی، مأموریت جمع‌آوری اطلاعات و عملیات پهبادی را اجرا می‌کردند و فعالیت‌های نظامی شمال ایران را از نزدیک رصد می‌نمودند. تبریز هدف قرار گرفت، اما باکو همچنان در سایه سکوت ماند.

الهام علی‌اف بر کشوری کاملاً شیعه حکومت می‌کند؛ کشوری که سرزمین‌های شمالی رود ارس و میراث تاریخی ایران است و در حالی که هیچگاه جز آذربایجان نبوده امروز با نام جعلی دست‌ساز شوروی یعنی «جمهوری آذربایجان» خوانده می‌شود. اواز هیچ زدالت و خیانتی در قبال ایران دریغ نکرده است. تنهاره زمینی میان خاک اصلی باکو و نخجوان از خاک ایران می‌گذرد، اما نزدیک به شش سال مرزهای زمینی را یک‌طرفه بست و جزو نخستین کشورهای بود که با تحریم هوایی ایران همراهی کرد. حتی فشار مذهبی بر جمعیت شیعه رانیز به اوج رساند و در تازه‌ترین اقدام، حجاب را برای دانش‌آموزان در یک کشور شیعی ممنوع اعلام کرد.

پرسش بزرگ و تلخ اینجاست: چرا با جمهوری باکو تا این حد مماشات می‌شود؟ چرا علی‌رغم دشمنی آشکار و خیانت حاکمان فاسد آن، اقدامی هم‌سنگ تعهد ایران نسبت به شیعیان در سایر کشورها دیده نمی‌شود؟ تحلیل‌گران این سکوت را بیش از هر چیز به نفوذ بالای لابی باکو در لایه‌های سیاسی ایران نسبت می‌دهند.

پایان این مماشات و قطع روابط دوستانه عجیب مسعود پزشکیان با خاندان فاسد الهام علی‌اف، امروز به یکی از مهم‌ترین مطالبات ملت ایران بدل شده است. امنیت ملی ایران با تعارف و مصلحت‌اندیشی‌های قومیتی قابل معامله نیست. تجربه ثابت کرده‌گرچه پزشکیان علی‌اف را دوست می‌پندارد ولی قطعاً علی‌اف نتانیا‌هورا بیشتر از پزشکیان دوست خود می‌داند.

نامه‌نخبگان جهان اسلام حلقه تازه زنجیره‌ای است که شمار مطالبه‌گران بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران را افزایش داده است

صف مطالبه‌گران بازدارندگی اتمی بلندتر شد

هسته‌ای ایران از یک بحث محدود سیاسی فراتر رفته است؛ مطالبه‌ای که اکنون از افکار عمومی و شماری از علما و نخبگان جهان اسلام تا برخی نظریه‌پردازان برجسته روابط بین‌الملل شنیده می‌شود.

همزمان با تجربه دو جنگ تحمیلی علیه ایران پس از ۲۳ خرداد، تشدید تهدیدهای دونالد ترامپ و بنیامین نتانیا‌هو و ناکامی عضویت در NPT در جلوگیری از تحریم، ترور و حمله نظامی، مطالبه بازنگری در دکترین



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

ائتلاف آمریکا-اسرائیل علیه ایران اهمیت بیشتری یافته است.

این مطالبه دیگر محدود به یک نامه نیست. حجت‌الاسلام حاج‌علی اکبری، خطیب نماز جمعه تهران، نیز در پیامی نوشت: «امروز ایرانی را داریم که می‌تواند در مقابل استکبار بایستد و بگوید: نه. توقع ملت ما این است که در دکترین هسته‌ای تجدید نظر کنیم. چرا همچنان باید در آن پی‌تی باشیم؟» پیش‌تر نیز ۷۱ نماینده مجلس در شهریور ۱۴۰۴ در نامه‌ای به شورای عالی امنیت ملی و رؤسای سه قوه خواستار بازنگری در دکترین دفاعی شده و میان «به‌کارگیری» سلاح هسته‌ای که آن را مشمول حرمت فتوای دانستند و «ساخت و نگهداری» برای بازدارندگی تفکیک کرده بودند. حدود فروردین ۱۴۰۵ نیز جمعی از اساتید و دانش‌آموختگان روابط بین‌الملل دانشگاه تهران در نامه به مسعود پزشکیان، با استناد به تجربه درگیری‌ها و ناکافی بودن بازدارندگی متعارف، تجدید نظر بنیادین در دکترین هسته‌ای و تقویت بازدارندگی راهبردی را مطالبه کردند.

این واقعیت، ادعای ظریف درباره «جاسوس» بودن مدافعان بازنگری را با یک تناقض جدی روبه‌رو می‌کند. چهار چهره مهمی که در دو جنگ اخیر به شهادت رسیدند، پیش از شهادت امکان تغییر دکترین را مطرح کرده بودند. شهید علی لاریجانی فروردین ۱۴۰۴ گفت «اگر شما [آمریکا/اسرائیل] در مسئله هسته‌ای کار اشتباهی نکنید، ایران را مجبور می‌کنید و حتی ساخت بمب می‌تواند به مطالبه مردمی تبدیل شود. «شهید کمال خرازی نیز بارها گفت: «ما تصمیمی برای تولید بمب هسته‌ای نداریم، اما اگر موجودیت ایران تهدید شود، ناچاریم دکترین هسته‌ای خود را تغییر دهیم» شهید شمخانی در مهر ۱۴۰۴ صریح‌تر گفت: «ای کاش در دهه هفتاد به بمب هسته‌ای فکری کردیم؛ اگر به آن زمان بازگردم حتماً به دنبال آن می‌روم. «شهید فریدون عباسی نیز خرداد ۱۴۰۴ گفت: «توان ساخت سلاح هسته‌ای را داریم» او تأکید داشت «ایران از ۲۰ سال پیش قدرت ساخت بمب و فناوری‌های مرتبط، از جمله فناوری انفجاری، را داشته و در صورت تصمیم‌قادر به ساخت سلاح هسته‌ای تاکتیکی است. »

اما دامنه این بحث از داخل ایران فراتر رفته است. جان مرشایمر، نظریه‌پرداز مشهور روابط بین‌الملل در آمریکا، بارها سلاح هسته‌ای را بازدارنده نهایی دانسته و گفته است: «اگر من طی ۲۰ سال گذشته

مشاور امنیت ملی ایران بودم، آن‌ها تا حالا سلاح هسته‌ای داشتند.» او این موضع را در سخنرانی ۲۰ فوریه ۲۰۲۵ دانشگاه شیکاگو و پس از جنگ ۱۲ روزه ژوئن ۲۰۲۵ نیز تکرار کرد و استدلالش این بود که اگر ایران بازدارندگی هسته‌ای داشت، آمریکا و اسرائیل نمی‌توانستند به همین شکل تهدید به حمله کنند.

استیفن والت نیز سال‌هاست استدلال می‌کند فشار و تهدید نظامی آمریکا و اسرائیل انگیزه ایران برای دستیابی به بازدارنده هسته‌ای را افزایش می‌دهد. او در مصاحبه با تاکر کارلسون به استدلال استاد خود، کنت والتز، پرداخت؛ نظریه‌پردازی که در مقاله مشهور «چرا ایران باید به بمب اتمی دست یابد» استدلال کرده بود دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای می‌تواند به ایجاد توازن و ثبات منجر شود. در این منطق، سلاح هسته‌ای بیش از آنکه ابزار جنگ باشد، ابزار جلوگیری از جنگ بزرگ از طریق هزینه غیرقابل تحمل حمله است.

بر مبنای همین نگاه، حتی اتمی شدن قدرت‌هایی مانند ترکیه و عربستان نه تنها باعث بروز جنگ بین آنان با ایران نخواهد شد که می‌تواند انحصار هسته‌ای اسرائیل را از میان ببرد و چند قدرت هسته‌ای اسلامی در برابر مزیت راهبردی منحصربه‌فرد تل‌آویو یعنی بمب اتم اسرائیل شکل دهد. استدلال طرفداران این دیدگاه آن است که همان‌گونه که دکترین نابودی متقابل تضمین‌شده میان ابرقدرت‌ها مانع جنگ بین آنان شد، بازدارندگی متقابل میان قدرت‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند هزینه جنگ برای نابودی طرف مقابل را غیرقابل قبول کند.

از بخشی از افکار عمومی داخلی و علما و پژوهشگران جهان اسلام تا شماری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، یک استدلال مشترک برجسته شده است: فشار و جنگ بی‌پایان محور آمریکا و اسرائیل می‌تواند مطالبه دستیابی به بازدارندگی هسته‌ای را تقویت کند. تجربه جنگ روسیه و اوکراین نیز به این بحث دامن زده است؛ چنان‌که ژلنسکی صراحتاً گفته عضویت در باشگاه هسته‌ای سبب می‌شود دیگران از حمله به شما بترسند. پس از دو حمله آمریکا و اسرائیل، مسئله برای ایران دیگر صرفاً میزان غنی‌سازی نیست؛ پرسش اصلی این است که چه نوع بازدارندگی می‌تواند نقشه دشمن برای تکرار جنگ و فشار با هدف نابودی ایران را واقعاً خنثی کند.

بازنگری هسته‌ای

از حاشیه

به متن آمده

نامه ۷۲ نخبه جهان اسلام، مواضع نمایندگان مجلس و دانشگاهیان و سخنان چهره‌هایی چون حاج‌علی اکبری و شریعتمداری، یک سوی بحث است و سوی دیگر، استدلال نظریه‌پردازانی چون مرشایمر، استیون والت و کنت والتز قرار دارد؛ مجموعه‌ای که یک پرسش را برجسته کرده است: وقتی محدودیت‌های هسته‌ای مانع حمله دشمن نشده، آیا دکترین بازدارندگی ایران همچنان باید بدون بازنگری باقی بماند؟

دولت ترکیه «ملت عشق» را سربرید

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

دولت ترکیه در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از ابزارهای قانونی و قضایی، فضایی سنگین بر ادبیات این کشور حاکم کرده‌است که الیف شافاک نویسنده سرشناس ملت عشق آن را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌است. این فشارها عمدتاً از طریق طرح دادخواست‌های گسترده علیه نویسندگانی صورت می‌گیرد که در آثار خود به موضوعات حساس اجتماعی مانند خشونت جنسی علیه زنان و کودکان پرداخته‌اند. مقامات قضایی به جای اقدام مؤثر برای مقابله با این خشونت‌ها، خالقان داستان را هدف بازجویی و اتهام‌زنی قرار می‌دهند تا صدای منتقدان را خاموش کنند. یکی از بارزترین نمونه‌های این سانسور سیستماتیک، محاکمه شافاک به جرم اهانت به هویت ملی ترکیه است که ریشه در محتوای رمان‌های او دارد.

در این رویکرد حتی شخصیت‌های داستانی نیز مسئول شناخته می‌شوند و کلمات آن‌ها به عنوان مجرمانه تفسیر می‌گردد. این روند نه تنها خود نویسنده بلکه مترجمان و ناشران آثار او را نیز درگیر پرونده‌های کیفری و تهدیدهای حبس می‌کند. چنین سیاست‌هایی باعث شده‌است بسیاری از چهره‌های فرهنگی برای حفظ آزادی بیان خود مجبور به زندگی در تبعید شوند و فاصله‌ای طولانی از وطنشان بگیرند. فشار بر ناشران نیز یکی دیگر از ابعاد مهم این محدودیت‌هاست که منجر به لغو مجوز چاپ برخی کتاب‌ها یا ایجاد ترس در بازار نشر شده‌است.

دولت با استفاده از قوانین مبهم و دست‌کاری‌شده، مرزهای مجاز نوشتن را به طور مداوم تنگ‌تر می‌کند و نویسندگان را در موقعیتی دوگانه قرار می‌دهد یا باید خودسانسوری کنند و یا با پیامدهای سنگین حقوقی روبه‌رو شوند. این فضای امنیتی باعث کاهش تنوع آرای سیاسی و اجتماعی در ادبیات معاصر ترکیه شده و خلاقیت هنری را تحت تأثیر منفی قرار داده‌است. به گفته شافاک، این برخورد‌ها نشان‌دهنده نگرانی عمیق حاکمیت از قدرت ادبیات در افشای حقایق تلخ جامعه است.

وقتی یک رمان‌نویس بابت اشاره به مسائل تاریخی یا اجتماعی به دادگاه کشیده می‌شود، پیامی روشن به سایر همکارانش ارسال می‌گردد که هرگونه نقد سازنده ممکن است هزینه شخصی بالایی داشته باشد. بنابراین، دولت ترکیه با ترکیبی از تهدیدهای قضایی، فشارهای اقتصادی بر ناشران و ایجاد جو روانی رعب، سعی در کنترل روایت‌های رسمی تاریخ و هویت ملی دارد. این استراتژی اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت سکوت ظاهری ایجاد کند، اما در بلندمدت به فرسایش سرمایه اجتماعی و فرهنگی کشور منجر خواهد شد.

تعطیلی محافل هنری همزمان با اعتراضات گسترده در اروپا

هنر علیه معترضین

می‌شدند؛ تصویری از تناقضی که هنر اروپا سال‌هاست با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. از فریز لندن تا آرت‌فرمادرید و توقف ماستریخت، بازار هنر به عرصه گردش سرمایه‌های عظیم تبدیل شده‌است؛ بازاری که گاه قیمت آثار خود اثر مهم‌تری می‌شود. این الگوی فرهنگی، هنر را به نشانه منزلت اجتماعی و ابزار نمایش تمایز طبقاتی تبدیل می‌کند؛ الگویی که بخشی از لیبرال‌های ایرانی نیز در سبک زندگی خود بازتولید می‌کنند. پرسش این است: هنر هنوز برای فهم جهان و بیان تجربه انسانی است یا به کالایی لوکس برای اثبات جایگاه اجتماعی تبدیل شده‌است؟



محمد قربانی

روزنامه‌نگار

بازار هنر اروپا تناقضی آشکار را پیش چشم می‌گذارد. در پاریس، لندن، مادرید و ماستریخت، نمایشگاه‌های بزرگ هنری هم‌زمان رویدادهایی فرهنگی و میدان‌هایی اقتصادی‌اند. گالری‌ها آثار هنرمندان را عرضه می‌کنند، مجموعه‌داران برای خرید رقابت دارند و حراج‌ها قیمت‌هایی ثبت می‌کنند که برای بخش بزرگی از جامعه دست‌نیافتنی است. این چرخه به هنرمندان، مؤسسات فرهنگی و اقتصاد شهری کمک می‌کند؛ اما هنگامی که قیمت و امکان سرمایه‌گذاری بر تجربه زیبایی‌شناختی غلبه کند، باید پرسید چه کسی در این مناسبات برنده‌است و هنر اساساً به کدام مخاطب تعلق دارد.

این پرسش در روزهای اخیر، با بازگشت اعتراض‌های گسترده به خیابان‌های اروپا، معنای ملموس‌تری پیدا کرده‌است. در ۱۷ اکتبر، بیش از ۵۵۰ هزار نفر در فرانسه در تجمع‌هایی علیه گرانی، افت خدمات عمومی و وضعیت نامناسب آموزش شرکت کردند. اعتراض‌های مشابهی در بلژیک، ایتالیا و پرتغال نیز شکل گرفت؛ از مطالبه دستمزد و مستمری بهتر تا اعتراض به اجاره‌های سنگین و بحران مسکن. در چنین فضایی، تعطیلی میان‌دسترس عمومی پاریس فقط یک تصمیم امنیتی نیست؛ برخورد دو جهان‌رانی‌به‌نمایش می‌گذارد: جهانی که در آن خریدوفروش آثار چندمیلیون‌دلاری ادامه دارد و جهانی که در آن بخش‌هایی از جامعه برای تأمین نیازهای روزمره خود معترض‌اند. البته این تقابل به‌خودی‌خود اثبات نمی‌کند که هنر عامل نابرابری است؛ مسئله، شکاف میان دسترس عمومی به فرهنگ و تمرکز ثروت در بازار آن است.

مشکل از آنجا آغاز می‌شود که اثر هنری پیش از آنکه دیده و فهمیده شود، به دارایی تبدیل می‌شود؛ چیزی برای حفظ ثروت، نمایش سلیقه

و تثبیت جایگاه صاحبش. در چنین وضعی، گالری فقط محل مواجهه با هنر نیست؛ به فضایی برای شبکه‌سازی اقتصادی و بازتولید تمایز اجتماعی نیز تبدیل می‌شود. البته این به معنای بی‌ارزش بودن مجموعه‌داری یا تجارت هنر نیست. مسئله آن است که منطق بازار تا کجا می‌تواند تعیین‌کننده چیزی هنرمهم محسوب شود و چه کسی امکان حضور در جهان آن را داشته باشد.

این تناقض برای بخشی از لیبرال‌های ایرانی نیز آشناست؛ کسانی که واژگان عدالت، آزادی، برابری و حق انتخاب را با اطمینان به کار می‌گیرند، اما در عرصه فرهنگ گاه به همان سلسله‌مراتب طبقاتی تن می‌دهند که در گفتار سیاسی خود نقد می‌کنند. برای این گروه، حضور در افتتاحیه‌های خاص، آشنایی با نام چند هنرمند بین‌المللی، خرید آثار گران‌قیمت و انتشار تصاویر زندگی گالری‌محور در شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند به نشانه‌ای از تعلق به طبقه‌ای ممتاز بدل شود. در اینجا هنر به رمز عبور جمعی محدود تبدیل می‌شود که سلیقه خود را معیار فرهیختگی معرفی می‌کند؛ گویی فهم هنر نه به مطالعه و تأمل، بلکه به قدرت خرید و حضور در محافل خاص وابسته است.

هنرمی‌تواند بازار داشته باشد، اما نباید به بازار تقلیل یابد. ارزش آن فقط در رقمی که روی برچسب قیمت نوشته شده نیست؛ در نسبتی است که با تجربه انسانی، حافظه جمعی، رنج، امید و امکان اندیشیدن برقرار می‌کند. اگر هنر قرار است از زندگی مردم سخن بگوید، باید امکان مواجهه با آن نیز از حلقه بسته ثروتمندان فراتر برود. اعتراض‌های اخیر اروپا، با همه تفاوت‌هایشان، یادآور این واقعیت‌اند که جامعه را نمی‌توان به تماشاگران خاموش و بترسیده‌ای پرزرق‌وبرق تقلیل داد. کشتی هنر اروپا زمانی به گل می‌نشیند که قیمت جای ارزش را بگیرد و هنر، به جای گشودن دریچه‌ای به زندگی انسان، به نشانه‌ای برای فاصله‌گرفتن از او تبدیل شود.

می‌گذارد.

شجاعی در این کتاب، واقعه را از زبان راویان مختلف روایت می‌کند؛ از پیامبر(ص) که در سوگ دختر خویش از زندگی کوتاه و پربرکت او می‌گوید، تا امیرالمؤمنین علی(ع) که با فقدان همسرش از جفای روزگار شکوه می‌کند. سپس نوبت به فرزندان فاطمه(س) می‌رسد تا داغ مادر را در قالب نجوایی جان‌سوز بازگو کنند.

نقطه قوت کتاب، تنها بازگویی یک واقعه تاریخی نیست؛ نویسنده با نثری عاطفی، تصویرسازی‌های لطیف و بهره‌گیری از ظرفیت روایت‌های چندصدایی، مخاطب را به فضای آن روزها نزدیک می‌کند. عنوان استعاری کتاب نیز یادآور کشتی شکسته‌ای است که در میان امواج سهمگین حوادث، باران‌دوخی بزرگ را بر دوش می‌کشد.

«کشتی پهلورگرفته» می‌تواند انتخابی مناسب برای مطالعه در ایام فاطمیه باشد؛ کتابی برای تأمل در غربت حضرت زهرا(س) و مرور روایتی که اندوه آن، از مرزهای تاریخ فراتر می‌رود.



با آغاز ایام فاطمیه، بازخوانی آثاری که واقعه شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) را از منظر ادبی و تاریخی روایت می‌کنند، فرصتی برای نزدیک‌شدن دوباره به یکی از تلخ‌ترین فصل‌های تاریخ اسلام است. در میان این آثار، کتاب «کشتی پهلورگرفته» نوشته سید مهدی شجاعی، روایتی متفاوت از غربت و مظلومیت دختر پیامبر اکرم(ص) پیش روی مخاطب

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز:

محسن منصوری

■ مدیرمسئول:

حمیدرضا بیانی

■ آدرس: خ سپهبد قری خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج

■ چاپخانه: صمیم

■ nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۶۷

یادداشت

جشنواره فیلم کوتاه؛

محفل تقدیر از خودی‌ها!

علی نقدی
روزنامه‌نگار

چهل‌وسومین جشنواره فیلم کوتاه تهران به پایان رسید؛ جشنواره‌ای که قرار بود ویتترین سینمای کوتاه ایران در مقیاس بین‌المللی باشد، اما نتیجه اختتامیه‌اش بیش از هر چیز به مراسم تقدیر از تولیدات انجمن سینمای جوانان ایران شباهت داشت. تمام جوایز اصلی بخش داستانی و جایزه بزرگ جشنواره نصیب آثاری شد که به این مجموعه وابسته بودند؛ گویی اساساً رقابتی در کار نبوده و قرار بوده در پایان، اعضای یک خانواده از یکدیگر تقدیر کنند!

جایزه بزرگ به «مزامیراندوه» رسید؛ فیلمی به تهیه‌کنندگی مجید برزگر، از اعضای شورای تولید انجمن. جوایز بهترین فیلمنامه و فیلمبرداری هم به «آسیب دیدگی» تعلق گرفت که تهیه‌کننده‌اش، محمدرضا همایی، از کارشناسان معاونت تولید همین مجموعه است. ماجرا وقتی جالب‌تری شود که سیامک سلیمانی، کارشناس معاونت تولید انجمن، جایزه بهترین تدوین را دریافت می‌کند. ظاهر انجمن نه تنها در تولید فیلم‌ها موفق بوده، بلکه در میان کارکنان خودش هم استعدادهایی کشف کرده که باید در همان جشنواره از آن‌ها تقدیر شود!

اما شاهکار اصلی، ترکیب داوران است. آرش رصافی، معاون سابق تولید انجمن، و هادی مقدم‌دوست، هردو عضو شورای تولید این مجموعه، در هیئت داوران بخش داستانی حضور داشته‌اند. یعنی همان ساختاری که در تولید و تصویب آثار نقش دارد، در داوری و تعیین برگزیدگان هم حضور پیدا می‌کند. در چنین وضعیتی، حتی اگر هیچ تخلفی صورت نگرفته باشد، چه کسی می‌تواند از برگزارکنندگان انتظار داشته باشد که بدون ایجاد شائبه، استقلال داوری را به افکار عمومی اثبات کنند؟

ماجرای جایزه مردمی فیلم «آدم» نیز کم‌حاشیه نیست. این فیلم تولید انجمن بود و در شب پایانی دوسانس فوق‌العاده گرفت؛ در حالی که رقیب اصلی‌اش، «تاریخ دقیق پرواز»، در جایگاه ششم یک بسته شش‌فیلمه قرار داشت. روشن است که زمان و موقعیت نمایش می‌تواند بر تجربه مخاطب اثر بگذارد. وقتی یکی از فیلم‌ها در بهترین نقطه برنامه قرار می‌گیرد و دیگری در انتهای صف، دیگر نمی‌توان تمام تفاوت‌ها را صرفاً به سلیقه تماشاگر نسبت داد.

البته فیلم‌های انجمن حق دارند جایزه بگیرند؛ اما اینکه تمام جوایز اصلی به تولیدات یک مجموعه برسد و هم‌زمان میان تولیدکنندگان، مدیران و داوران هم‌پوشانی وجود داشته باشد، اتفاقی نیست که بتوان به‌سادگی از کنارش گذشت. جشنواره‌ای که قرار است معیار کیفیت و رقابت باشد، با چنین نتیجه‌ای بیش از آنکه اعتبار آثارش را بالا ببرد، اعتبار سازوکار خودش را زیر سؤال می‌برد. وقتی برگزارکننده، تولیدکننده و داور تا این اندازه به هم نزدیک‌اند، جشنواره دیگر فقط باید پاسخ‌گوی انتخاب‌هایش نباشد؛ باید پاسخ دهد که اساساً رقابت را برای چه کسانی برگزار کرده‌است.